

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره هشتم - آبان ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۴

خرد و ابعاد آن در «میان‌فزود» های شاهنامه فردوسی

(ص ۶۹-۸۴)

خدیدجه خسروی (نویسنده مسئول)^۲، جلال خالقی مطلق^۳، علی ایمانی^۴

تاریخ دریافت مقاله: دی ۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: اردیبهشت ۹۹

«خرد را و جان را که یارد ستود

وگر من ستایم که یارد شنود»

چکیده

درست است که همگان شاهنامه را یک اثر حماسی بدانند و از آن بعنوان اثری قهرمان پرور یاد کنند، اما در حقیقت رسالت اصلی فردوسی افزون بر سرایش شاهنامه این است که منویات خویش را که چیزی جز خردگرایی و بیان ارزش دانش و حکمت، پند و اندرز و تبلیغ انسان‌مداری نیست، به خواننده ابلاغ کند. روشن است که فردوسی زاده عصر علم و حکمت است و به قطع متأثر از آن.

رسالت این پژوهش تبیین جایگاه «خرد» و مفاهیم آن بویژه در «میان‌فزود» های شاهنامه است و «میان‌فزود» اصطلاحی است نوپدید که در این مقاله معادل با اصطلاح «اعتراض» بکار گرفته شده که نشانگر توانمندی شاعر در بهره‌گیری از این عنصر با بسامد بالا بجهت افزودن مفاهیمی درخور به متن شاهنامه است. در این مقاله اشاراتی بسیار کوتاه بمسأله خرد از دیدگاه‌های گوناگون در کتب دینی پیش از اسلام و پس از آن بایسته مینمود و پایان بخش کار ارائه نمونه‌های مناسب از «میان‌فزود» هاست.

کلیدواژه‌ها: خرد - فردوسی - شاهنامه - میان‌فزود - اعتراض.

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دکتری زبان و ادبیات فارسی (khosravi_kh90@yahoo.com)

۳- هیأت علمی دانشگاه هامبورگ آلمان، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی

(khaleghimotlagh@gmail.com)

۴- هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی

(parsimania@yahoo.com)

The wisdom and dimensions of it in the "betweenadded" of Ferdowsi's Shahnameh

Khadijeh Khosravi (Corresponding Author),^۱ Jalal
Khaleghimotlagh,^۲ Ali Imani^۳

Abstract

It is true that everyone knows Shahnameh as an epic work and it is referred to as a heroic work, but in fact, the main mission of Ferdowsi in writing of Shahnameh is to communicate his spirituality, which is nothing but self-contemplation and the expression of the value of knowledge and wisdom, advice and advice and promotion of humanism. It is clear that Ferdowsi is the creature of the age of science and wisdom and is influenced by it.

The aim of this research was to explain the place of "wisdom" and its concepts, especially in "between-parentheses" of Shahnameh; "pleonasm" is a term used in this paper as equivalent to the term "between added" that indicates the poet's ability to use this element with high frequency to add meaningful concepts to the text of Shahnameh. In this paper, there were very brief references to the question of self from various perspectives in the pre- and post-Islamic religious books, and the end of the work was the proper influence of the "between-parentheses".

Keywords: Wisdom - Ferdowsi - Shahnameh- betweenadded - pleonasm

^۱- PhD of Persian language and literature' (khosravi_kh90@yahoo.com)

^۲- Department of Persian language and literature' Hamburg University' Germany' (khaleghimotlagh@gmail.com)

^۳- Department of Persian language and literature' Islamic Azad University 'South Tehran Branch' Iran' (parsimania@yahoo.com)

۱. مقدمه

اهمیت شاهنامه فردوسی موجب شده است که در درازنای زمان متفکران و اندیشه‌ورزان پژوهش‌هایی ارزنده و قابل تأمل به انجام برسانند و زوایای نهفته و مفاهیم ناگفته‌ای را در شاهنامه روشن سازند. فردوسی توانسته است با ژرف‌نگری و جهان‌بینی خاص و تأمل و تعمق و بازنگری در علوم و آداب عصر خویش و پیش از آن، اثری ارجمند را به جامعه آن روز عرضه کند که امروزه پس از گذشت هزار سال از عمر شاهنامه برای خواننده جستجوگر و پژوهش‌محور تازگی دارد و بقول اقبال لاهوری هنوز: «هزار باده ناخورده، در رگ تاک است.» یکی از مفاهیم پرکاربرد و بنیادی که ریشه در اندیشه‌های پیش از اسلام دارد، مفهوم «خرد» و خردورزی است. «خرد» و مفهوم آن در شاهنامه و متون پیش از آن بعنوان پایه اصلی نظام دینی (زردشتی) معرفی شده است. «خرد» بهترین محک برای سنجش آدمی، اندیشه، گفتار و کردار اوست. فردوسی «خرد» و خردگرایی در دین زردشتی را با تعالیم اسلام تطبیق داده و جامعه‌ای نو بر آن پوشانده است که خوشبختانه محققان آگاه در ادوار مختلف بصورت عام بدان پرداخته و در آثار متنوعی، این بخش از شاهنامه را به چالش کشیده‌اند، اما نگارندگان این پژوهش بنا براین دارند که «خرد» و مفاهیم مترادف و متضاد آن را در «میان‌فزود»‌های شاهنامه بصورت خاص، مورد بررسی قرار دهند؛ اما «میان‌فزود» معادلی است نوپدید، جامع، دقیق و فارسی برای اصطلاح «اعتراض»^۱ و با تسامح برای «جمله معترضه» که در این زمینه یعنی «میان‌فزود» و نقش آن در شاهنامه فردوسی دو مقاله با عنوانهای: ۱- کاربردهای فراوان و گوناگون «میان‌فزود» یکی از ویژگیهای سبکی شاهنامه فردوسی ۲- «میان‌فزود» مجالی برای وصف در شاهنامه فردوسی توسط نگارندگان در همین مجله به چاپ رسیده است.

اکنون این پرسش مطرح میشود که: از میان مفاهیم گوناگون موجود در «میان‌فزود»‌های شاهنامه فردوسی، سهم مفهوم والای «خرد» و خردگرایی و البته مفاهیم مترادف و متضاد آن چه اندازه است؟ آنچه مسلم است «خرد» فراگیر سهم بسزایی در شاهنامه دارد. و در این مجال سعی بر آن است تا با ارائه نمونه‌های مستند و توضیحات لازم، این مهم به اثبات رسد. روش پژوهش حاضر، روش کتابخانه‌ای همراه با تحلیل و توصیف داده‌هاست که از طریق استخراج «میان‌فزود»‌ها از شاهنامه چهار جلدی پیرایش جلال خالقی مطلق چاپ انتشارات سخن و با استعانت از شاهنامه هشت جلدی پیرایش ایشان، چاپ دایرةالمعارف بزرگ اسلامی صورت گرفته است که منابع اصلی این مقاله محسوب میشود.

۱- بنگرید به: مسعودی آرانی، عبدالله (۱۳۹۳). *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، به سرپرستی کاظم موسوی بجنوردی، ج ۲۱. ذیل مدخل «حشو»

در باب «خرد» در شاهنامه فردوسی کتابها و مقاله‌های بسیاری نگارش شده است که از جمله آنها میتوان به کتابها و مقاله‌های زیر اشاره کرد:

کتاب پیوند خرد و اسطوره در شاهنامه (موسوی - خسروی: ۱۳۸۹)، کتاب شکوه خرد در شاهنامه فردوسی (رضایی دشت ارژنه: ۱۳۹۲)، کتاب مفهوم خرد و خاستگاههای آن در شاهنامه فردوسی (صرفی: ۱۳۸۳) و مقاله‌های «بررسی تطبیقی مفهوم خرد در اندرزه‌های دینکرد ششم و شاهنامه فردوسی» (دلپذیر و بهنام‌فر و راشد محصل: ۱۳۹۶)، «خرد سیاسی در شاهنامه فردوسی مبانی و ساختارها» (احمدی و باقری: ۱۳۸۸) و بسیار موارد دیگر که در این مجال نمیگنجد، اما درباره جایگاه «خرد» و مفاهیم آن در «میان‌فزود»های شاهنامه فردوسی تاکنون پژوهشی مستقل صورت نگرفته است.

۲. مفهوم خرد

۲.۱. مفهوم «خرد» در فرهنگها

خرد در اوستایی - Xratu؛ در پهلوی xratik [tum, xrat (vd 19, 47←)؛ در ارمنی Xrat در هندی باستان - Krātu. (فرهنگ ریشه‌شناسی فارسی ۱۳۹۴ ذیل مدخل «خرد») (فرهنگ پهلوی ۱۳۵۲: ذیل «خرت») در لغت بمعنای عقل، دانایی، هوش (همان دریافت، عقل، ادراک، تدبیر، فراست، هوش، زیرکی، دها، ناطقه (فرهنگ متوسط دهخدا ۱۳۹۰: ذیل مدخل «خرد») آمده است. همانطور که در لغت‌نامه‌ها، فرهنگهای فارسی و عربی شاهد هستیم «خرد» را مترادف با «عقل» دانسته‌اند: «العقل، ج عُقُول. ۱ - مص . عقل ۲ - خرد، عقل ۳ - دل، قلب» (الرائد ۱۳۸۹: ذیل مدخل «عقل»)

۲.۲. مفهوم «خرد» در متون دینی پیش از اسلام و پس از آن

با عنایت بعنوان این بخش از مقاله که میبایست موضوع «خرد» در متون دینی پیش از اسلام بررسی شود، اما به لحاظ قداست و اهمیت قرآن، این بررسی از قرآن و متون دینی اسلامی آغاز میشود.

عقل در قرآن بمعنای درک و دریافت است (بقره / ۷۵)، (انعام / ۳۲)، (اعراف / ۱۶۹) (الصفات / ۱۳۸) و

مفهوم عقل در قرآن از فهم و علم جدا نیست، عقل فقط قوه‌ای نیست که فهمیدن و دانستن را امکان‌پذیر کند، بلکه همه‌جا با تعقل کردن با فهمیدن توأم و رابطه این دو مفهوم بی‌واسطه و بدیهی است، کسانی که در کلام خدا، تعقل کنند ناگزیر آن را میفهمند و بدان علم پیدا میکنند و راه حق را در مییابند. (چند گفتار در فرهنگ ابران، مسکوب: ص ۹۲)

بیشتر مفسران بین «قلب» و «عقل» فرق نهاده و «قلب» را محل «عقل» دانسته‌اند و «عقل» را نیز، ابزار فهم و درک. کما اینکه در آیه ۱۷۹ سوره‌ی اعراف «قلوب» بصورت مجاز حال و محل بکار رفته، بدین معنا که یکی، جایگاه دیگری است و «عقل» و «قلب» ارزش

برابر ندارند. در تأیید این گفته نظر ابن‌بابویه قابل توجه است: «ألا و مثلُ العقلِ فی القلبِ كَمَثَلِ السَّراجِ فی وسطِ البیتِ.» (علل‌الشرایع، ابن‌بابویه، ج ۱: ص ۹۸) «عالمان، عارفان، فیلسوفان و اهل تصوف از خرد بشکل عربی آن (عقل) تعاریف و طبقه‌بندی‌های متفاوت و متعددی بدست داده‌اند» (پیوند خرد و اسطوره در شاهنامه، موسوی، خسروی: ص ۵) چنانکه متصوفه عقل را از دیدگاه خود اینگونه خوانده‌اند:

عقل نوری است فطری که بدان صلاح از فساد و خیر از شر ممیز گردد و آن مشترک است میان مؤمن و کافر [...] عقل در ذات خود یک چیز است و لکن دو وجه دارد یکی در خالق و عبارت از او، عقل هدایت که خاصه مؤمنان است و یکی در خلق و آن عقل مشترک است که آن را عقل معاش خوانند (مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه، کرباسچی-خالقی: ص ۳۵) عارفان نیز برای عقل مراتب و تعاریف خاص خود را دارند و برترین نوع عقل را با صفت کل همراه دانسته‌اند که والاترین مرحله و مرتبه عقل است. «عقل کامل رساست که محیط به همه اشیاء است و حقایق را به شایستگی درک میکند» (مولوی نامه، همایی: ص ۴۶۹) برای دستیابی به آبخورد «خرد» و مفاهیم مرتبط با آن بررسی و مطالعه - حتی گذرا - برخی از متون دینی پیش از اسلام بایسته است.

«خرد» در باور زردشتی جایگاهی بنیادی و محوری دارد، زیرا آن را بعنوان هسته اصلی هستی می‌شناسند. در هرمزدیشت، اهورامزدا چنین می‌گوید: «ای زردشتِ آشون! منم سرچشمه دانش و آگاهی. منم بخشنده گله و رمه. منم توانا. منم بهترین آشه. منم نشان همه دهش‌های نیک آشه نژاد مزدا آفریده. منم خرد. منم خردمند. منم دانایی. منم دانا.» (اوستا، دوستخواه، ج ۱: ص ۲۷۲) گاهان در اوستا بیشتر از سایر بخشهای آن به اندیشه‌های زرتشت نزدیک است و نقش بسزایی در سعادت مینوی انسان دارد:

بی‌گمان این [پاداش آرمانی] را به تن و جان کسانی ارزانی میداری که با 'منش نیک' کار میکنند و در پرتو 'آشه' آموزش خرد نیک ترا بدرستی به پیش می‌برند و خواست ترا برمی‌آورند و برای پیشرفت جهان میکوشند. (همان: ۳۵)

مینوی خرد سخن را با ستایش ایزد و خرد آغاز کرده است:

به نام و ستایش آفریدگار اورمزد که دهنده همه سودهاست [...] که سرچشمه دانایی و تشخیص از آن است [...] پاداش‌های نونو به دارنده خرد (رسد)، از راه‌یافتن سود دو جهانی به فراوانی (که = خرد) شفاعت‌ترین است برای تن و روان. (مینوی خرد، تفضلی: ص ۲)

همچنین در ستایش خرد در دیباچه بندهش اینگونه می‌خوانیم: «سپاس (بر) دادار هرمزد باشکوه، فرهمند، همه - آگاه، دانا، توانا (دارنده) برترین اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک [...] نیک خواهیم نبشت (این) نوشته بندهشی را.» (بندهشن، بهار: ص ۳۱)

در بخش چهارم بندهشن ضمن چگونگی و علت آفرینش آفریدگان آمده است:

بهنگام یزش کردن همه آفریدگان را بیافرید و با بوی و فروهر مردمان بسگالید و خرد همه - آگاه را به مردمان فراز برد... ایشان بدان خرد همه - آگاه (آن) بدی را (که) از اهریمن دروج به فروهرهای مردمان در جهان رسد، دیدند. (همان: ۵۰).

در اینکه «خرد» (= عقل) نخستین آفریده است، ظاهراً اختلافی در روایت اسلامی و پیش از اسلامی - چه اندیشه نوافلاطونی (یونان) و چه در تفکر مزدیسنايي (ایران) - وجود ندارد، تنها اختلاف در این سه نوع نگرش این است که:

عقل اول در فلسفه اسلامی برگرفته از دستگاه فلوطین (نوافلاطونی) و صادر اول از ذات اُحد، یادآور خرد (= عقل) اهورایی است. منتها [...] با این تفاوت که خرد در اهورامزدا ذاتی است و در اندیشه فلوطین صادر اول و نخستین است در سلسله مراتب آفرینش (ارمغان مور، مسکوب: ص ۲۱، حاشیه ۲).

در روایات اسلامی نیز به هر صورت عقل نخستین پدیده آفرینش، بحساب آمده است: «و عقل [...] اشرف و اکرم مخلوقات است و در صدر آفرینش، منصب تصدّر و تفوّق دارد؛ چنانکه در خبر است که أول ما خلق الله العقل...» (مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه، کرباسچی - خالقی: صص ۷۱ - ۷۰)

آنچه روشن است این است که خرد (عقل) در تمام ادیان الهی و در تفکر اندیشمندان جهان از قدیم و جدید جایگاهی بس والا داشته و دارد، همچنین این مفهوم در کتاب آسمانی مسلمانان دارای جایگاهی بایسته است. بنابر نظر علامه طباطبایی:

تنها در قرآن مجید، بیش از ۳۰۰ آیه وجود دارد که انسان‌ها را به بخردانه نگرستن و ژرف‌نگری در آیات تشریحی و تکوینی فرا میخواند و حتی در قرآن یکی از دلایل فروغلتیدن به دوزخ سرپیچی از خرد عنوان شده است: «و قالو لو کنا نسمعُ أو نَعقلُ ما کنا فی اصحابِ السّعیر (ملک / ۱۰)». (شکوه خرد در شاهنامه فردوسی، رضایی دشت ارژنه: ص سی و پنج).

۳. مراتب خرد

در اوستا و متون پهلوی - همچون بندهشن و مینوی خرد - به «خرد» و انواع آن بسیار اشاره شده است و آن کس به زندگی نیک میرسد که از «خرد» بشکل کامل آن برخوردار باشد. از انواع «خرد» در متون زردشتی به دو نوع شاخص آن اشاره شده است آسن - خرد (خرد غریزی) و گوش - سرود - خرد (خرد اکتسابی):

پرسید دانا از مینوی خرد که چرا بند دانش و کاردانی مینو و گیتی هر دو به تو پیوسته است؟ مینوی خرد پاسخ داد که به این علت که از نخست من که خرد غریزی هستم از مینوها و گیتی‌ها با اورمزد بودم و آفریدگار اورمزد ایزدان آفریده در مینو و گیتی و دیگر

آفریدگان را به نیرو و قدرت و دانایی و کاردانی آسن - خرد (= خرد‌گریزی) آفرید و خلق کرد و نگاه میدارد و اداره میکند. (مینوی خرد، تفضلی: ص ۷۲).

و اما خرد اکتسابی گوش - سرود - خرد نام دارد که از طریق آموزش حاصل میشود (بندھشن بهار: صص ۹۷ - ۹۶).

آسن - خرد و گوش - سرود - خرد نخست بر بهمن^۱ پیدا شود. او را که این هر دو است، بدان برترین زندگی رسد. اگر او را این هر دو نیست بدان بدترین زندگی رسد. آن را که آسن - خرد نیست گوش - سرود - خرد آموخته نشود. او را که آسن - خرد هست و گوش - سرود - خرد نیست، آسن - خرد به کار نداند بردن (همان: ص ۱۱۰).

خرد انواع دیگری همچون: خرد ایزدی، خرد اهریمنی، خرد هم-آگاه، خوب خرد و دژخرد و... دارد که در متون پهلوی از جمله: بندھشن و مینو خرد و... بدان اشاره شده است (همان و مینوی خرد، تفضلی).

۴. خرد و مفاهیم و اقسام آن در شاهنامه فردوسی

آنچه شاهنامه را از سایر میتولوژی‌های ملل دیگر متمایز میکند، بیان فلسفی و اخلاقی فردوسی در شاهنامه است دلیل آن هم این است که عصر فردوسی، عصر فلسفه و علوم بوده است و در کنار آن دین جدید نیز بنای بسیاری از اعتقادات را دگرگون کرده بود (سخن‌های دیرینه، خالقی مطلق: صص ۱۰۰ - ۹۹).

عصر فردوسی [...] دوره زکریای رازی و ابومعشر بلخی و ابونصر فارابی و ابوعلی سینا و ابوریحان بیرونی و ده‌ها دانشمند و فیلسوف دیگر است. در یک چنین دوره‌ای که روح علمی بر جامعه تسلط دارد، ادبیات و هنر نیز نمیتواند خود را از نفوذ آن بیرون کشد (همان: ۱۲۲). فردوسی نیز که زاده و پرورش یافته چنین عصری است بعنوان شاعری متعهد و همه‌سונگر کوشیده است، هم عرض با عالمان و محققان عصر خود کاخ ادب پارسی را با زیر ساخت «خرد» - آنچه که در حماسه‌های سایر ملل دیده نمیشود - بنا نهد و خویشکاری خویش را به بهترین وجه به انجام برساند.

فردوسی در آغاز پادشاهی کیخسرو نیز کمال انسان را وقتی میسر میداند که علاوه بر سه پیرایه هنر، نژاد و گوهر به زیور و خرد نیز آراسته باشد و در واقع با وجود عنصر خرد است که مراتب کمال کامل میشود. (شکوه خرد در شاهنامه فردوسی، رضایی دشت ارژنه: ص بیست و شش).

۱- بنگرید به: بویس، مری (۱۳۹۳)، تاریخ کیش زرتشت (صنعتی‌زاده، همایون) تهران: گستره. ص ۲۱۹، ۲۲۰ و ۲۳۷ و نیز بهار، مهرداد (۱۳۹۷)، بندھشن، تهران: توس. ص ۱۱۰.

«در شاهنامه خرد برترین هدیه خداست و بزرگترین فضیلت آدمی. کتاب با به نام خداوند جان و خرد، آغاز میشود» (سوغ سیاوش، مسکوب: ص ۵۵) «بعقیده‌ی بسیاری از پژوهشگران فراوانی کاربست عنصر خرد در شاهنامه موجب گردیده که بسیاری از آن بعنوان 'خردنامه' یاد کنند» (خردگرایی در شاهنامه فردوسی، صفی‌نیا: ص ۱۹) «این اثر در عین اینکه حماسه ملی ایران است خردنامه حکمی فرهنگ ایرانی نیز بشمار می‌آید» (دفتر خسروان، آیدینلو: ص ۲۲۲) آنچه از منابع بر می‌آید این است که فردوسی در نامه ورجاوند خود که سراسر پند و اندرز خردمندانه است، از متون پهلوی، خردنامه‌ها، قرآن، روایات اسلامی و علوم اسلامی بهره بسیار برده است و مفاهیم بلند در شاهنامه تلفیقی است از منابع یاد شده (شکوه خرد در شاهنامه فردوسی، رضایی دشت‌ارژنه: صص بیست و هشت تا سی و پنج) و افزون بر آن «پرداخت داستان‌ها و آرایش و پیرایش صحنه‌ها و گفتگوهای میان قهرمانان حاصل آفرینندگی هنری و تخیل شاعرانه خود فردوسی است.» (سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی، ریاحی: ص ۵۹) و یکی دیگر از جلوه‌های آفرینندگی و هنرمندی فردوسی، کاربست «میان‌فزود»ها بعنوان یک پدیده ابداعی در متن شاهنامه است.

و اما «میان‌فزود» که موضوع اصلی این مقاله بعنوان ظرفی برای مظلوف خود که «خرد» و مفاهیم مرتبط با آن است، چیست؟ و چه نقشی دارد؟

«میان‌فزود» اصطلاح جدیدی است که دقیقاً مفهوم و معنای «اعتراض» دارد و آن مجالی برای القای مفاهیمی همچون: خردگرایی، تقدیرباوری، تحذیر و تنبیه، وصف، مبالغه، دعا و نفرین و... است. در شاهنامه فردوسی این مفاهیم به عمد در قالب «میان‌فزود» - که با تسامح همان «جمله معترضه» است - آورده شده که بسامد بسیار بالایی دارد. از میان مفاهیم یاد شده نقش «خرد» و مفاهیم مرتبط با آن بسیار پررنگ‌تر از سایر است. دلیل اصلی بهره‌گیری فردوسی از «میان‌فزود»ها، نخست رهایی از تنگنای موجود در بحرمتقارب - که میدان برای گفتن تنگ است - و دوم ابزاری برای انتقال مفاهیم والای برخاسته از ذهن زایای او است. از آنجا که خرد در شاهنامه جلوه‌های گوناگون دارد، بایسته است تا از مناظر مختلف و با اختصار تمام به این جلوه‌ها و نمودها اشاره شود.

«فردوسی قائل به خردمندی قشرهای مختلف فعال در شاهنامه است، چنانکه در داستان خسروپرویز از زبان یکی از موبدان خرد را به چهار بخش تقسیم میکند که هر طبقه‌ای به فراخور اهمیت و جایگاه خود از آن بهره‌مند است.» (شکوه خرد در شاهنامه فردوسی، رضایی دشت‌ارژنه: ص بیست و هشت)

چو پیدا شد این راز گردنده دهر خرد را ببخشید بر چار بهر
چو نیمی ازو بهره‌ی پادشاست - که فرّ و خرد پادشا را سزاست! -
دگر بهره مردم پارسا سدیگر پرستنده پادشا

چو نزدیک باشد به شاه جهان خرد خویش‌تن زو ندارد نهان
کنون از خرد پاره‌ای ماند خرد که دانا ورا بهر دهقان شمرد
(شاهنامه خالقی مطلق، ج ۸، ابیات ۸۷ - ۸۳)

پژوهندگان ظاهراً «خرد» موجود در شاهنامه فردوسی را با توجه به بیت‌های یاد شده به: خرد سیاسی، دینی، اخلاقی، اقتصادی، علمی، منطقی و... تقسیم کرده‌اند که خرد سیاسی با تأکید بر داد و دادگری، خرد دینی با یزدان‌پرستی و دینداری، خرد اقتصادی با توصیه بتعادل و دوری از افراط و تفریط، خرد علمی با تکیه بر کسب علم و دانش، خرد اخلاقی با تأکید بر گذشت [...] و خرد منطقی با قبول و تأیید استدلال‌های درست و خردمندانه در شاهنامه جایگاه خاص خود را دارند. (پیوند خرد و اسطوره در شاهنامه، موسوی - خسروی: ص ۲۴).

همچنین:

خرد در شاهنامه معنای متعددی از جمله: داد، فر، دانش و میانه‌روی، مهر و وفا، راستی، زیرکی، بردباری و رازداری بکار رفته است [...] و فردوسی برای تبیین بیشتر چارچوب خرد، ده دیو را از دشمنان اصلی خرد بشمار آورده است که این امر بخوبی حدود و ثغور خرد را در دیدگاه فردوسی بازمینماید. (شکوه خرد در شاهنامه فردوسی، رضایی دشت‌ارژنه: ص بیست و نه).

ده انداهرم‌ن هم به نیروی شیر	که آرند جان و خرد را به زیر
بدو گفت کسری که ده دیو چیست	کزیشان خرد را ببا ید گریست؟
چنین داد پاسخ که آز و نیاز	دو دیوند با زور و گردن فراز
دگر خشم و رشک است و ننگ است و کین	چو نمتام و دوروی و ناپاک دین
دهم آنک از کس ندارد سپاس	به نیکی و هم نیست یزدان سپاس

(شاهنامه خالقی مطلق، ج ۷، ابیات ۲۴۷۹ - ۲۴۷۵)

وقتی فردوسی در ابیات بالا از دیو آز و خشم و دروغ و کین و... میگوید بنظر میرسد نیم‌نگاهی به ادبیات قبل از اسلام از جمله: اوستا، بندهشن، مینوی خرد و... داشته است. در اوستا آمده: «... [چگونه] نیرویی، نیروهای دهگانه مرا راهبر و روشنگر خواهد شد تا با آنها رسایی و جاودانگی را دریابم.» (اوستا، دوستخواه: ص ۴۹)

این بند یکی از دشوارترین و پررمز و رازترین پاره‌های گاهان است. آنچه از آن در این گزارش به نیروهای دهگانه و نیرویی راهبر و روشنگر تعبیر شده در برگردان واژه به واژه‌ی متن، [به] ده مادیان با نریان و اشتری درمی‌آید... مفسرانی از قبیل 'کانگا' و 'تاراپوروالا' برآنند که نام این جانوران در این بند کنایی و رمزی است، ده مادیان اشاره به ده حس سرکش و گمراه کننده در وجود آدمی و ده نریان یا اسب نر، کنایه از اندیشه‌ی انسان است

که بر آن حسهای دهگانه چیرگی مییابد و آنها را راهبری میکند و اشتر مرحله‌ی نهایی این سیر و سلوک و رسیدن به فروغ ایزدی و روشنایی ابدی است. (همان: پانوش ۲).

بجهت رعایت اختصار تنها دو نمونه از بندهشن و مینوی خرد در خصوص دیو آ، گواه گونه ذکر میشود، در مینوی خرد اینگونه آمده است که: «به آز متمایل مباش تا دیو آز تو را نفریبد و چیزهای گیتی برای تو بیمزه و چیزهای مینو تباہ نشود» (مینوی خرد، تفضلی: ص ۷) در بندهشن نیز میخوانیم:

آز دیو آن است که (هر) چیز را بیوبارد و چون نیاز را چیزی نرسد، از تن خورد (او) آن دروجی است که چون همه خواسته گیتی را بدو دهند، انباشته نشود و سیر نگردهد. چنین گوید که چشم آزمندان هامونی است که او را سامان نیست. (بندهشن، بهار: ص ۱۲۱).

۵. خرد و نمودهای آن در «میان‌فزود»های شاهنامه فردوسی

فردوسی با بهره‌گیری از «میان‌فزود»ها که بجهت کاربست فراوان بنوعی مختصه سبکی شعر اوست، افکار والای خویش را در نامه ماندگار خود جای داده، و تعادلی و توازنی میان لفظ و معنا برقرار و معانی حکمت‌آمیز خود را در قالب «میان‌فزود»ها به ذهن خواننده شعرش منتقل کرده است. منظور از معانی حکمت‌آمیز:

آن سخنانی است که شاعر از زبان خود یا زبان اشخاص کتاب در فرصتهای مناسب در موعظه و حکمت و عبرت می‌آورد... موضوع این پندها نکوهش روزگار است و هشدار مردمان از ناپایداری و بی‌وفایی جهان و ترغیب آنها بکار نیک و پرهیز از آرزو و نصیحت فرمانروایان به سرمشق گرفتن از کار و رفتار گذشتگان و عبرت گرفتن از سرنوشت آنها و روی گردانی از بیداد و خونریزی و تشویق آنها به آبادانی و دادگستری. (شاهنامه، خالقی‌مطلق، ج ۱: صص چهل نه و پنجاه).

اکنون نمونه‌هایی چند از «میان‌فزود»های با احتوای مفاهیم - مترادف و متضاد - خردگرایی مطابق با منابع پهلونی شاهنامه ارائه میشود. لازم به یادآوری است که نمونه‌های مزبور داخل دو خط تیره قرار داده شده و شماره‌های ذکر شده در ذیل نمونه‌ها، از سمت راست بترتیب بیانگر: شماره جلد، شماره صفحه و شماره بیت‌هاست و منبع آنها شاهنامه چهارجلدی چاپ سخن پیرایش جلال خالقی‌مطلق (و البته شاهنامه هشت جلدی ایشان چاپ دایرةالمعارف بزرگ اسلامی) است.

الف) از ایوان گشتاسب پیمان کاخ همه برگ او پسند و بارش خرد
 درختی گشن بیخ و بسیار شاخ - کسی کز خرد برخوردار کی مراد!

(۳: ۴۱ / ۴۰-۴۱)

مفهوم این میان‌فرد، ستایش خرد و تبیین جایگاه آن بعنوان مایه اصلی حیات آدمی است.

(ب) گهر هست و دینار و گنج و درم - چو باشد درم، دل نباشد به غم! -
(۳: ۵۶۳ / ۲۰۵۳)

مفهوم این نمونه میتواند اشاره‌ای روشن به خرد اقتصادی داشته باشد. یک نمونه دیگر از خرد اقتصادی را میتوان اقدام خردمندانه انوشیروان در پرداخت وام به کشاورزان و کاستن از مالیات آنان دانست (شکوه خرد در شاهنامه فردوسی، رضایی دشتارژنه: ص ۲۳)

(پ) زن چاره‌گر بستد آن نامه را شنید آن سخن‌های خود کامه را،
همی تاخت تا بیشه‌ی نارون - فرستاده زن بود نزدیک زن -
(۴: ۹۹۶ / ۲۹۷۶ - ۲۹۷۵)

مفهوم میان‌فرد ظاهراً به کاردانی جنس زن اشاره دارد که کاردانی او نتیجه خردمندی اوست.

نکته: «دیدار سیندخت با سام و شایستگی و لیاقتی که این بانوی ارجمند از خود نشان میدهد سام را به پیوند زال و رودابه همداستان میکند.» (پیوند خرد و اسطوره در شاهنامه، موسوی - خسروی: ص ۱۸۴)

(ت) گر ایدون که لشگر فزون بایدت - فزون تر بود رنج نفرزایدت -
(۴: ۸۴۸ / ۱۱۸۵)

مفهوم میان‌فرد اشاره به خرد سیاسی بهرام دارد و نمونه مشابه دیگر صف‌آرایی شگرف و منسجم گودرز است در جریان کین‌خواهی سیاوش. (شکوه خرد در شاهنامه فردوسی، رضایی دشتارژنه: ص ۲۱۱)

(ث) چنان کو به رفتن بنا شد دژم - نشاید که بر بنده باشد ستم! -
(۳: ۲۶۳ / ۴۴۵)

مفهوم این میان‌فرد به اصلی مهم از اصول اخلاقی اشاره داد. بویژه اینکه نمونه بالا از زبان اسکندر است که در متون پهلوی او را ویران‌کاره دانسته‌اند درحالی که در شاهنامه مردی بزرگ و اصیل معرفی شده است. (حماسه سرایی در ایران، صفا: ص ۵۴۷) این حاصل نگاه دور از تعصب فردوسی است.

(ج) - خرد چون بود با دلاور به راز به شرم و به پوزش نیاید نیاز! -
(۴: ۶۳۵ / ۳۶۷)

«فردوسی در اثر ارزشمند خود با دستمایه‌ای از خرد و اسطوره، پهلوانانی را میپرورد که با وجود ناسازگاری ظاهری، با علم و منطق و غیرمعمول بودن بسیاری از ویژگیها و اعمال و حوادث مربوط به آنها الگوهای خرد، کمال و تعالی محسوب میشوند.» (پیوند خرد و اسطوره

در شاهنامه، موسوی - خسروی: ص ۱۴۳) در شاهنامه خرد بعنوان یک اصل اساسی در موزد فرمانروایان مطرح شده است. (فردوسی و شاهنامه، مرتضوی: ص ۴۶).

.....(چ)

چون نیمی از او بهره‌ی پادشاست - که فر و خرد پادشا را سزاست! -
(۴: ۸۸۲ / ۸۴)

«در فرهنگ کهن ایرانی فره و خرد رابطه‌ای تنگاتنگ و ناگستنی دارند... در شاهنامه به این رابطه‌ی ناگستنی بارها به روشی اشاره شده است.» (پیوند خرد و اسطوره در شاهنامه، موسوی-خسروی: ص ۲۵۸-۲۵۷) در این نمونه ارتباط تنگاتنگ فره پادشاهی و خرد کاملاً مشهود است.

(ح) - به دانش بود شهریار ارجمند نه از گنج و مردان و تخت بلند -
(۴: ۷۲۹ / ۲۷۳۰)

«فردوسی نظام شهریاری مبتنی بر خرد و لوازم آن از جمله داد، دهش، خردمندپروری، میانه‌روی، نیرومندی، راستی و... را میپسندد و در نظامی که بر بی‌خردی یا بدخردی استوار است و در نتیجه به بیداد و بخل، و سفله‌پروری، افراط و تفریط، ناراستی و... می‌انجامد، میشود و می‌آشوبد.» (همان: ص ۵۴).

(خ) - ازین دانش ار یادگیری بد است که این راز در پرده‌ی ایزد است! -
(۳: ۴۶۸ / ۳۲۳)

باتوجه: به بیت‌های پیشین، این نمونه میگوید که دانش ستاره شمری یا پیشگویی خوشایند نیست، زیرا که این راز و درک آن از اسرار الهی است «روشنفکر باید تا آنجا که در توان دارد، از نیروهای باوراننده بهره بجوید تا بتواند، بصورتی مستمر و دیالکتیکی، باورهای درست‌تر را به آستانه آگاهی بکشاند و آنها را جانشین باورهای نادرست‌تر سازد.» (جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا، ضیایی: ص ۲۳) «گرچه فردوسی اساس جهان‌نگری خود را بر خردورزی نهاده، [اما] به محدودیت و ناتوانی خرد انسانی در شناخت و درک هستی آگاه است.» (پیوند خرد و اسطوره در شاهنامه، موسوی - خسروی: ص ۲۷)

(د).....
- جها ندار پیمان شکن خود مباد!
مسیح پیامبر چنین کرد یاد که پیچد خرد، چون بیچد ز داد!-
(۴: ۹۳۰ / ۱۲۹۸ - ۱۲۹۷)

در این «میان‌فزود» به سه اصل خرد، پیمان‌شکنی پادشاه و داد اشاره شده است.
«[فردوسی، مسیح] را شخصی درویش و پرهیزکار... دانسته که بمردم راه و رسم مهر و نیکی آموخته و ستیزه‌جویی و کینه‌توزی را نکوهش کرده و بردباری را ستوده است.» (هزاره فردوسی، رضازاده شفق: ص ۱۹۷) شاهنامه برای فرمانروایان درس کشورداری توأم با عدالت،

و برای عامه مردم درس زندگی توأم با کار و کوشش و رسیدن به بهروزی است. «(فردوسی، ریاحی: ص ۳۲۵)

د) ز روی زمین تخت برداشتند / ز هامون بدابر اندر افراشتند
- چنین باشد آن را که گیردش آزا! - / پریدند بسیار و ماندند باز
(۱: ۲۵۰ / ۳۸۵ - ۳۸۴)

مفهوم «میان‌فزود» نکوهش آزمندی و افزون طلبی و دنیاخواهی است و اشاره دارد به آزا انسان عموماً و داستان کیکاووس، خصوصاً که نتیجه این آزمندی‌ها - چه مادی و چه معنوی - جز سقوط به ورطه هلاکت و فلاکت نیست. «در شاهنامه نیز به پیروی از مایه‌های کهن فرهنگی، نوعی تدبیر و خرد دیده می‌شود که بداندیشان و بی‌دینان را... یاری میکند که این خرد در آزا و خودخواهی ریشه دارد.» (فردوسی، ریاحی: ص ۲۵).

ر) گواه من اندر جهان ایزد است / گواه خواستن دادگر را بدست -
که اکنون برآمد بسی روزگار / شنیدم بسی پندآموزگار،
(۲: ۵۸۳ / ۱۶۸۰ - ۱۶۷۹)

مفهوم این «میان‌فزود»، اشاره دارد به قداست نام ایزد که پیران گواه گرفتن خدا و سوگند خوردن بنام خدا را ناپسند میدارد.

در آیه ۲۲۴ سوره بقره نیز به نکوهش سوگند خوردن اشاره شده است.

ز) ز تندی گرفتار شد ریونیز / نماند از بد بخت مانیده چیز!
- هنر بی خرد در دل مرد تند / چو تیغی که گردد به زنگار کند! -
(۱: ۴۸۷ / ۵۱۶ - ۵۱۵)

مفهوم این «میان‌فزود» برگرفته از خردورزی و حکمت فردوسی است که هنر مرد بیخرد را بویژه که از صفت خشم برخوردار باشد همچون تیغی میداند که از زنگار کند میشود. از دیدگاه فردوسی برترین انسان، کسی است که از خرد توأم با خودشناسی برخوردار باشد. او در ایران سده چهارم یعنی قرن‌ها پیش از دوره رنسانس در اروپا، طلاهدار تفکر خردگرایانه بوده است. در نکوهش خشم از زبان قشیری میخوانیم: «صبر اندر اول کار باید، چون خشم گیرد یا مصیبتی رسد یا مکروهی، بصبر استقبال آن باز شود.» (رساله قشیری، فروزانفر: ص ۲۷۸).

ژ) هم از شاه یابید دیهیم و تخت؛ / ز سالار زور و ز دادار بخت! -
(۱: ۸۳ / ۵۳۳)

در این مصراع «میان‌فزود» مفهوم ضرب‌المثل: «از تو حرکت از خدا برکت» به روشنی دریافت میشود.

مثل یا داستان‌زد یا ضرب‌المثل یعنی بیان یک آزمون زندگی در یک جمله کوتاه که میان مردم شهرت دارد، ولی گاه نخست از قلم سخنوری تراوش میکند و شهرت مییابد و یا او به آنچه هست بیان بهتر و رساتری می‌دهد. در میان منظومه‌های فارسی [...] ویس و رامین و خمسه نظامی به نسبت بیشتر از بقیه مثل دارد، ولی شاهنامه نیز از این بابت غنی است و مثل‌های آن که برخی مثل سایرند عنصر مهمی در ساخت زبان مصوّر آند. (شاهنامه خالقی مطلق، ج ۱: ص ۴۰ و هشت).

اوج خردورزی و بینش در این ضرب‌المثل که چیزی نیست مگر ملازمه تلاش آدمی و مسأله تقدیرباوری مشهود است که بعنوان یکی از زیرمجموعه‌های خردگرایی جایگاهی خاص در شاهنامه دارد.

اگر بیتهایی را که در شاهنامه در تبلیغ و تهذیب اخلاق و شرح حکمت عملی و تدبیر منزل آمده است، بیرون کشیم، کتابی بیش و کم به حجم بوستان خواهد شد. برخی از شعائر اخلاقی این کتاب که برای همه مردم از مرد و زن و از هر طبقه و هر قوم معتبرند، عبارتند از: خداشناسی و خداترسی، پارسایی، راستی و درستی، دادگری؛ دوری از آز، خشم، دورویی، دروغ، رشک و سخن‌چینی؛ رویکرد به بردباری، آهستگی، خرسندی، امیدواری، بخشندگی و رادی؛ نگهداشت پیمان؛ شناختن رفتار درست با دوست و دشمن؛ خوش‌رفتاری با زن و فرزند و کشور و اسیران جنگی و غیره. اینها نکاتی است که هنگام مطالعه شاهنامه نظر هر کس را جلب میکنند. (همان: شصت و سه)

نتیجه:

هدف از این پژوهش بررسی عنصر «خرد» و ابعاد گوناگون و جایگاه و بسامد آن در «میان‌فزود»های شاهنامه فردوسی است، و اما «میان‌فزود» اصطلاحی بکر و بدیع است که معنا و مفهوم «اعتراض» را دارد و با تسامح و تساهل معادلی است برای «جمله معترضه». برای نیل به هدف پژوهش، ابتدا «خرد» در فرهنگها و لغتنامه‌ها بررسی و در ادامه این بررسی به برخی متون دینی پیش از اسلام و پس از آن مراجعه شد. در این بررسیها روشن شد که «خرد» مفاهیم و معانی و مراتب و انواعی دارد که نمود آنها در کل شاهنامه فردوسی و بویژه در «میان‌فزود»های آن بخوبی مشهود است و نیز روشن شد که فردوسی بجهت احاطه به علوم عصرخویش و همچنین آگاهی به آثار دینی و غیردینی پیش از اسلام - که خرد و خردورزی در آن آثار جایگاه ویژه‌ای داشته است - این عنصر ضدحماسی (خرد) را به عمد و آگاهانه به متن حماسی شاهنامه - با بسامد بسیار بالا- افزوده است.

مسلم است برای شاعری با این وسعت آگاهی، خانه بیت - آن هم در بحر عروضی تنگ متقارب - محدود است و او «میان‌فزود» و کاربرد آن را راهکاری مناسب برای رهایی از

تنگنای این بحر و البته القای مفاهیم والای موجود در ذهن خود بکار گرفته است. از میان مفاهیم متعددی که در خلال «میان‌فزود»‌ها مطرح شده، سهم «خرد» و خردگرایی و هر آنچه بدان مرتبط است، بسیار بیشتر از سایر مفاهیم بوده است. او این مفهوم والا را حتا در «میان‌فزود»‌ها به تناسب معرفی، تقسیم و تبیین کرده است به طوری که خواننده با مطالعه همین «میان‌فزود»‌ها میتواند با «خرد»، مترادف‌ها و متضادها و انواع دیگر آن آشنا شود. مطالب یاد شده بیانگر اهمیت «خرد» است و نمونه‌های بدست داده شده در مقاله گواهی است روشن بر این مدعا.

منابع

- قرآن

- ارمغان مور، مسکوب، شاهرخ، (۱۳۸۴)، تهران: نشر نی.
- اوستا (کهن‌ترین سرودهای ایرانیان)، دوستخواه، جلیل، (۱۳۹۴)، جلد اول، تهران: مروارید.
- اوستا (نامه مینوی آیین زرتشت) دوستخواه، جلیل، (۱۳۶۶)، تهران: مروارید.
- بندهشن، بهار، مهرداد، (۱۳۹۷)، تهران: توس.
- پژوهشی در اساطیر ایران، بهار، مهرداد، (۱۳۸۹)، تهران: آگه.
- پیوند خرد و اسطوره در شاهنامه، موسوی، سیدکاظم - خسروی، اشرف، (۱۳۸۹)، تهران: علمی و فرهنگی.
- تاریخ کیش زرتشت بویس، مری، (۱۳۹۳)، ترجمه صنعتی زاده - همایون تهران: گستره .
- ترجمه رساله قشیریه، قشیری، ابوالقاسم، (۱۳۶۱)، (فروزانفر - بدیع الزمان) تهران: علمی و فرهنگی.
- جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا، ضیائی، عبدالحمید، (۱۳۹۲)، تهران: هزاره‌ی ققنوس.
- چند گفتار در فرهنگ ایران، مسکوب، شاهرخ، (۱۳۷۱)، تهران: زنده رود.
- حماسه سرایی در ایران، صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۶۹)، تهران: امیرکبیر.
- خردگرایی در شاهنامه فردوسی، صفی‌نیا، نصرت، (۱۳۸۷)، تهران: واژه آرا.
- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، مسعودی آرانی، عبدالله، (۱۳۹۳)، به سرپرستی محمد کاظم موسوی بجنوردی، جلد ۲۱، ذیل مدخل، «حشو»، تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- دفتر خسروان، آیدینلو، سجاد، (۱۳۹۰)، تهران: سخن.
- سخن‌های دیرینه خالقی مطلق، جلال، (۱۳۸۶)، (دهباشی علی)، تهران: افکار.

- سرچشمه های فردوسی شناسی، ریاحی، محمدامین، (۱۳۷۲)، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، پژوهشگاه.
- سوگ سیاوش، مسکوب، شاهرخ، (۱۳۷۰)، تهران: خوارزمی.
- شاهنامه، (خالقی مطلق، جلال)، فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۹)، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- شاهنامه، (خالقی مطلق، جلال)، فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۹۴)، تهران: سخن.
- شکوه خرد در شاهنامه فردوسی، رضایی دشت ارژنه، محمود، (۱۳۹۲)، تهران: علمی و فرهنگی.
- علل الشرایع، ابن بابویه، محمدبن علی، (۱۳۸۵)، قم: مکتبه الداوری.
- فردوسی و شاهنامه، مرتضوی، منوچهر، (۱۳۶۹)، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- فردوسی، ریاحی، محمدامین، (۱۳۹۳)، تهران: طرح نو.
- فرهنگ الرائد، مسعود، جبران، (۱۳۸۹)، ذیل مدخل «عقل». مشهد: به نشر.
- فرهنگ پهلوی، فرهوشی، بهرام، (۱۳۵۲)، ذیل مدخل «خرد»، تهران: دانشگاه تهران.
- فرهنگ ریشه‌شناسی فارسی، (خالقی مطلق، جلال)، هرن، پاول - هوبشمان، هاینریش، (۱۳۹۴)، اصفهان: مهرافرز.
- کاربردهای گوناگون و فراوان میان فزودها، یکی از ویژگیهای سبکی شاهنامه فردوسی، خسروی، خدیجه، خالقی مطلق، جلال، (۱۳۹۷)، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، سال یازدهم، شماره چهارم: ۹۹-۱۱۹.
- لغت نامه (فرهنگ متوسط دهخدا)، دهخدا، علی اکبر، (۱۳۹۰)، جلد اول، ذیل مدخل «خرد». تهران: دانشگاه تهران.
- مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، کاشانی، عزالدین محمود، (۱۳۸۹)، تصحیح (کرباسچی، عفت - برزگر خالقی، محمدرضا)، تهران: زوار.